

از آن حاله است که خوفی عظیم بر من مستولی میشود و هر وقت
 میشود و حق تعالی بر نیات من هم مطلعست کبر امر المومنین
 بگریست و هر خلائق بگریه در آمدند و آن مدعیان گریه کنان
 در قلم سعید بن عمیر افتادند و توبه کردند و عدل میخواستند
 سعید نیز خود میگريست و میگفت که اگر تقصیری کرده ام
 مرا حلال کنید که کار من بسی خطی ناکست کبر امر المومنین عرضی
 میگريست و میگفت ای وای بر عمر کس حال من چون خواهد
 پس تو خود فکری بکن که کسانی که حق تعالی در قرآن مجید این
 همه ملامت ایشان کرده و حضرة رساله نباه **محمدی** صلی الله علیه
 ایشانرا بشاده بهشت فرموده و از عذاب قیامت جینی میزند
 کس حال آن ظالمان و فاسقان که این جور ظلم و ستم بر مسلمانان
 میکنند ایشانرا چه خواهد بود **المرحوم** این جمع و جمیع مسلمانان
 را راه رسد ای بنای **دیگر** میگویند که یکی از اولیای
 حق یقیناً بیرون و یکی از رفیقان محتاج بود و توبه
 داشت و می فروخت آن اولیای حق بخرد تا اگر روزی بداری

مسلمان فرو ماند باز فرو شد کبر شرب خواب دید که دو شخص
 از آسمان فرود آمدند یکی بایکی میگوید بنویس نام غازیان کس
 یکی نوشت و یکی زمین نگر است گفت این کس تجاره آمد من
 کفتم الله الله در کار من نظر کنید که من باز در کان نیستم
 نیت من خالص از برای خداست یکی از آن دو گفت یا وای الله
 نتو توبه خریدی که باز فروشی و سود کنی من کفتم والله
 که من باز در کان نیستم و حاضر ز بهر غرض بیرون آمده ام و بگو
 آن یکی دیگر میگوید بنویسیم که یغز آمده اما در راه توبه
 خریده تا باز فروشد و سود کند تا حق تعالی با وی بچکند
 که فموده **صلی الله علیه** که اگر نیتی اندک و باخلاص باشد نجاة
 آید است و لیکن اخلاص کوهری عظیمست عزیزست و گفته
 که عظیم بر مثال تخم است و عمل ذرع آنست و آب آن
 اخلاص است و عمل باخلاص وسیله رساست **بخاری** چنانچه
بخاری این حدیث آورده که در زمان سالفه و قرون ماضیه
 سه تن در صحرا بی میرفتند و یارانی عظیم دستدار ایشان

مسلمان